

پرسش‌های نوپیدا*

پرسش‌های نوپیدای هر موضوعی، آن‌گاه نوپیدايند که حکم شرعی بطلینند، خواه آن‌که پیش‌تر حکم شرعی برای آن پرسش‌ها وجود نداشته و خواه که حکم شرعی برای آن‌ها وجود داشته؛ اما پاره‌ای از قیده‌های آن‌ها دگرگون شده است، مانند پول‌های اعتباری که پیش‌تر وجود نداشته‌اند و یا مانند اعتبار مالیت برای چیزهای نجس که پیش‌تر مالیت نداشته‌اند.

تبیین نیاز به مسائل مستحدثه

این حقیقت، با شرح دو نکته زیر، روشن می‌شود:

۱ - دگرگونی پیوسته و همیشگی، از ویژگی‌های جهان ماده است و از دیدگاه بسیاری از فیلسوفان و حکیمان، دگرگونی پذیری و دگرگونی ناپذیری، از لوازم ذاتی ماده است که هیچ‌گاه از آن جدایی نپذیرد.

از آن‌جا که انسان، در این جهان مادی، می‌زید، طبیعی است که این دگرگونی، همه جلوه‌های زندگی او را در برگیرد، از ساختار، تا وسایل زندگی و نیز روابط نوینی که امکان دارد بین افراد، یا جامعه‌ها و یا حکومت‌ها، وجود داشته باشد.

این امر، فقه را به رویارویی، با دو پدیدار نوین، ناگزیر ساخته است:

الف - رخ نمودن گزاره‌هایی تازه برای احکام شرعی که پیش از این وجود نداشته‌اند. پول‌های اعتباری، پدیداری نوخاسته و از این گونه گزاره‌ها ایند؛ چه در گذشته، آنچه بین مردم رواج داشته، داد و ستد با دینار و درهم، به دیگر سخن، طلا و نقره مسکوک بوده است، اما بعدها، دگرگونی زندگی و پیشرفت آن و گستردگی نیازهای بشر، چنین ایجاد کرد که اسکناس و همانند آن نیز، مال به شمار آید.

ب - موضوع‌ها و گزاره‌هایی وجود دارند که در گذشته نیز بوده‌اند؛ اما شرایط و اوضاعی بر آنها عارض شده که قیده‌هایشان را دگرگون کرده‌اند. چیزهای نجس، چنین حالی دارند. پیش از این، نجس، مالیت نداشته و بی ارزش بوده؛ اما پیشرفتی که در دانش پزشکی پیش آمده و نیز کشف منافع بسیار برای برخی از چیزهای نجس، به سان خون، سبب شده چیز نجس نیز نزد خردمندان، مالیت داشته باشد؛ آن سان که امروز، در برابر برخی چیزهای نجس، مال بسیار داده می‌شود.

بر این پایه، فقیه می‌بایست حکم شرعی را به هر دو حالت [پیش و پس از دگرگون شدن موضوع و قیود آن] روشن کند و در بحث و فتوا، به مسائل متعارف نوشته شده در کتاب‌های فقیهان پیشین، بسنده نکند.

۲ - به باور ما آیین اسلام، از ویژگی‌هایی چند از جمله: جهانی بودن، همیشگی بودن و فراگیر بودن نسبت به همه جنبه‌های زندگی برخوردار است.

این آیین، نه در چهار چوب زمان، یا مکانی معین است و نه به گروه، یا طبقه‌ای از ملت، یا نژادی جدا از دیگران اختصاص دارد؛ چه رسول خدا(ص) برای همه مردم، عرب و غیر عرب، سیاه و سفید، شرقی و غربی و در هر جا که باشند و در هر زمان که بزیند، برانگیخته شده و دعوت او، از سویی در برگیرنده همه مردم و از سویی دیگر، دربرگیرنده همه جنبه‌های زندگی آدمی است و برای همه دشواری‌های زندگی، راه حل‌هایی، فرا روی می‌نهد.

افزون بر دلیل عقل و طبیعت اسلام و قوانین آن، دلیل‌های نقلی بسیاری بر این حقیقت دلالت می‌کنند؛ به ویژه آیاتی که در قرآن مجید آمده و بر این مطلب، به روشنی دلالت دارند. این آیات را می‌توان در سه دسته جای داد:

دسته نخست: آیاتی که در آن‌ها، به عموم مکانی و حتی عموم زمانی و آیین اسلام، تصریح شده است:

«إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (۱)

این کتاب، جز یادآوری برای جهانیان نیست.
«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» (۲)
ای مردم! من فرستاده خداوند به سوی همه شمایم.

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (۳)

تو را نفرستادیم، مگر آن که رحمتی برای جهانیان باشی.

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (۴)

کتابی است که بر تو فرستادیم، تا مردم را به فرمان پروردگارش از تاریکی‌ها به روشنایی بری.

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيراً» (۵)

بزرگ است آن که این فرقان را بر بنده خود فرو فرستاد، تا جهانیان را بیم دهنده باشد.

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيراً وَنَذِيراً» (۶)

تو را به پیامبری نفرستادیم، مگر برای همه مردم، تا آنان را مژده دهی و بیم دهی.

«همه آیاتی که در آن‌ها خطاب «یا ایها الناس» آمده که شمارشان از ده افزون است.

این آیه‌ها، فرد فرد آدمیان را تا روز رستاخیز در جای جای زمین، در بر می‌گیرد؛ بی آن که بین آنان، فرقی بگذارد.

حتی می‌توان گفت: اگر در دیگر کُرّات آسمانی، ساکنانی به سان بشر وجود داشته

باشد - که شاید بشود از آیات و روایات، چنین برداشتی کرد و البته در این نوشتار جای پرداختن به آن نیست - این آیات، آنان را نیز در بر می‌گیرد.

دسته دوم: آنچه بر خاتم بودن رسالت و بر این که حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر خداست، دلالت می‌کند. این دسته، در عموم زمانی خود، از دسته نخست، صراحت بیش‌تری دارد. از جمله این آیه‌هاست:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ.»^(۷)

محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است.

دسته سوم: آنچه بر کامل بودن دین و تمام بودن آیین و فراگیر بودن آن نسبت به همه احکامی دلالت دارد که می‌بایست تشریح شود، همانند آیه شریفه:

«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا.»^(۸)

امروز، دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما به غایت رساندم و اسلام را به عنوان دین، برایتان برگزیدم.

نتیجه همه این آیات آن است که مجموعه احکام شرع می‌تواند نیازهای قانونی بشر را پاسخ گوید و همه عرصه‌های زندگی را در هر برهه زمانی و در هر نقطه‌ای از زمین، پوشش دهد، خواه در مسائل عبادی و روحی، خواه در مسائل تربیتی و اخلاقی و یا در مسائل اقتصادی و حقوقی و خواه به فرد مربوط باشد، خواه به جامعه و خواه به حکومت. اگر جز این باشد و دین، حتی برای یک مسأله از مسائل و مشکلات زندگی معاصر، پاسخی کامل به دست ندهد، این خود، خدای نخواست، اعتراف ضمنی به کامل نبودن دین خواهد بود.

اگر بگویید: لازمه این که ما قدرت تشخیص برخی از احکام شرعی، به ویژه در مسائل و گزاره‌های تازه را نداشته باشیم این نیست که نسبت نقص و کاستی به دین داده شود؛ چه دست نیافتن به احکام این موضوع‌ها، از جمله بخشش‌های الهی است که ما به دلیل غیبت امام معصوم (عج) از آن‌ها محروم مانده‌ایم و این محرومیتی است که از کوتاهی خود انسان‌ها، پیش آمده است و بر این پایه نه تنها هیچ عیب و کاستی در دین

وجود ندارد، بلکه کاستی از سوی خود انسان به وجود آمده و اوست که مانع به وجود آورده و راه رسیدن به حکم شرعی را بر خود بسته است. می‌گوییم: چنین تحلیل و تعلیلی، تنها نسبت به احکام واقعی و مهرورزی‌های پنهان الهی و هدایت‌های ویژه ربّانی درست در می‌آید، نه نسبت به احکام شرعی ظاهری؛ چرا که امکان دارد ما از رسیدن به حکم واقعی، بازمانیم و نتوانیم به آن دست یابیم؛ اما هیچ بازدارنده‌ای در راه رسیدن به حکم ظاهری وجود ندارد. هیچ کس نیست بگوید رخدادها، حکم ظاهری ندارند و هیچ فقیهی نیز، در هیچ عصری نمی‌یابیم که گفته باشد برای رخدادها، دست کم، ظاهری نیز وجود ندارد و مردم در این باره رهاپند و کار به خواسته آنان وانهاده شده است و می‌توانند هر چه بخواهند انجام دهند و در این باره به هیچ فقیهی نیز، مراجعه نکنند. به طور قطع، هیچ کس، چنین سخنی بر زبان نمی‌آورد و هیچ اثری از چنین پنداری در گفتار و آثار فقیهان، از پیشینیان، تاپسینیان، نتوان یافت، بلکه مسأله درست بر عکس است و می‌بینیم که از سوی فقیهان، پیوسته در پاسخ استفتاها و پرسش‌هایی که می‌شود، به فتوا دادن می‌پردازند و از دیگر سوی، ما امر شده‌ایم که در عصر غیبت به فقیهان و راویان حدیث مراجعه کنیم، همان‌گونه که در توفیق شریف آمده است:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ
أَنَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.»^(۹)

در حوادثی که رخ می‌دهد، به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

این حدیث، به مطابقت، بر این دلالت دارد که بر مردم لازم است در هر رخدادی که رخ می‌دهد به فقیه مراجعه کنند و از دیگر سوی، بر فقیه نیز لازم است حکم را برای آنان بیان کند. این خود، به آن معناست که ناگزیر، باید برای این گونه موضوع‌ها، حکمی وجود داشته باشد، تا مردم در این باره به فقیهان رجوع کنند وگرنه چنین دستوری در شرع، لغو و بیهوده است.

پس از توجه به این مقدمه، می‌دانیم در عصر حاضر، مسائل جدید بسیاری در باب‌های گوناگون فقهی وجود دارد که نصّی درباره هیچ یک از آنها در کتاب فقه نیامده

است؛ چرا که این گونه مسائل، نه در آن زمان‌ها مورد نیاز بوده، نه نصی در این باره در کتاب خدا رسیده و نه دلیل خاصی در این باره در روایات رسیده از معصومان (ع) در دست است. پس باید به جست و جو و پژوهشی دامنه دار در این مسائل دست زد و پاسخ‌هایی درست و کامل فرا چنگ آورد.

نمونه‌هایی از مسائل جدید بسیارند و گونه‌گون؛ از این روی بایسته است در این جا چند گونه از آن‌ها را در قالب چند دسته همگون، بیاوریم:

دسته نخست: مسائل پزشکی

۱ - تشریح: آیا برای دانشجویان پزشکی، تشریح جسد مسلمان، در صورتی که جسد غیر مسلمان در اختیار نباشد، جایز است؟ اساساً آیا تشریح جسد غیر مسلمان جایز است؟

خاستگاه این پرسش آن است که از سویی در حدیث آمده:

«الْمَسْئَلَةُ حَرَامٌ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ.» (۱۰)

قطعه قطعه کردن بدن، حرام است؛ گر چه بدن سگ درنده باشد.

از دیگر سوی، اگر دانشجویان پزشکی، اجازه تشریح نداشته باشند، توانایی لازم را برای عمل‌های جراحی، حتی درمان بالینی بسیاری از بیماران را به دست نمی‌آورند. به دیگر سخن، انجام کارهای لازم در این حرفه، بدون تمرین تشریح، دشوار است.

۲ - پیوند: آیا پیوند اعضایی همانند قلب، کلیه، قرنیه چشم از مرده به زنده و یا از زنده به زنده، جایز است، در حالی که عضو جدا شده از زنده، به سان عضو جدا شده از مرده، نجس است و نماز با آن، فروش و جدا کردن آن صحیح نیست؟

۳ - باروری مصنوعی: آیا از نظر حکم تکلیفی، باروری مصنوعی، به کمک گرفتن نطفه از مرد و قرار دادن آن در رحم همسر او، یا در رحم زنی بیگانه و یا قرار دادن اسپرم و اوول در لوله آزمایش و سپس کاشتن آن در رحم زن بیگانه و یا همسر مرد و یا به هر طریق دیگر، جایز است؟

اگر فرزندی که از این راه متولد شود، از نظر پیوستن به صاحب نطفه، یا صاحب رحم

در ارث، چه حکمی دارد؟ حکم محارم در این فرض چیست و احکامی دیگر از این دست.

۴ - تزریق خون: آیا تزریق خون مسلمان به کافر و بر عکس، یا خون زن به مرد و برعکس، جایز است؟ آیا خریدن خون، برای چنین هدفی درست و رواست؟ البته ضرورت تزریق خون در روزگار ما، بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا اگر این کار امکان نداشت، نجات زندگی بسیاری از بیماران و مجروحان ناشدنی بود.

۵ - کنترل جمعیت: آیا با این حدیث معروف:

«تَزَوَّجُوا قَائِمِي مَكَاتِرِ بِكُمْ الْأُمَّمِ» (۱۱)

همسر بگیرید که من به افزونی شما بر دیگر امت‌ها افتخار می‌کنم.

و یا با سخن خداوند در مقام مَنّت نهادن:

«وَأَمْدُذُنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (۱۲)

و شما را به دارایی و فرزندان، کمک رساندیم.

جلوگیری از افزایش جمعیت جایز است؟ آیا به جمعیت بسیار، ولی فقیر و ضعیف ما افتخار می‌شود؟ از این که بگذریم، بر فرض جایز بودن اصل کنترل جمعیت، آیا عقیم کردن موقت یا دائم و یا گذاشتن وسائل ویژه در رَجَم زن جایز است؟ با آن که این کار، گاه به نظرو لمس بیگانه، حتی زن برای زن، می‌انجامد و به ویژه آن که گفته می‌شود این کار از قبیل تباه کردن نطفه است؛ چرا که در این صورت، نطفه بسته می‌شود و پس از بسته شدن، به دلیل نرسیدن به محلّ خود، تباه می‌شود. آیا عقیم کردن مرد، یا زن با نقص عضو که لازمه آن است، رواست؟

آیا به جمعیت بسیار که افتخار می‌شود، نظر به چگونگی است، نه اندازه و شمار؟ و یا هدف از افتخار به فزونی جمعیت، تنها شمار آن نیست بلکه چگونگی آن مورد نظر است؟

۶ - آیا با آن که برداشتن قلب انسانی که در آستانه مرگ قرار دارد، سبب تسریع مرگ

او می‌شود، برداشتن و پیوند زدن آن به دیگری، برای نجات او از مرگ، جایز است؟

آیا در این کار، رضایت خود شخص بسنده است، یا رضایت اولیای او نیز باید باشد؟

۷ - آیا سقط جنین، در صورتی که بقای آن، زندگی مادر، یا سلامت او را تهدید کند،

جایز است؟ در فرض جایز بودن، جواز سقط آن، در چه مرحله‌ای است؟ در مرحله علقه؟ در مرحله مضغه؟ در مرحله کامل بودن و دمیده شدن روح در او؟

۸ - آیا در صورتی که به کمک شیوه‌های نوین علمی، پی ببریم کودک ناقص به دنیا خواهد آمد و تا پایان عمر، موجودی مزاحم برای دیگران خواهد بود، سقط آن در مرحله پیش از تولد، جایز است؟

۹ - آیا همان‌گونه که در برخی کشورها رایج است، جامد کردن بیماران درمان‌ناپذیر، به امید کشف راه‌های درمان آنان در آینده، جایز است؟

در چنین صورتی که شخص نه مرده به شمار می‌آید و نه زنده، دارایی و همسر او چه حکمی دارند؟

۱۰ - گاه گفته می‌شود ازدواج با خویشاوندان نزدیک، از دیدگاه دانش پزشکی روز، منشأ پاره‌ای از خطرهای و بیماری‌ها برای نوزادان است. بر این اساس، آیا می‌توان چنین ازدواجی را مکروه، یا حرام دانست، با آن که معروف، خلاف این است؟

دسته دوم: مسائل عبادی

۱۱ - در مناطق قطبی، که شش ماه شب و شش ماه روز است، یا طول روز، به اندازه یک ماه، یا یک هفته و یا کم‌تر از آن است، چگونه باید نماز گزارد؟

این مسأله از آن روی از مسائل جدید به شمار می‌آید که پیش‌تر، دسترس به آن مناطق و سکونت‌گزیدن در آن‌ها امکان نداشته است.

۱۲ - چگونه مسلمان، در سفرهای فضایی، آن‌جا که تشخیص وقت نماز ناممکن است، نه صبحی است، نه ظهری، نه شامی، نه شبی و روزی، می‌تواند نماز بگذارد؟ و چگونه می‌توان رو به قبله قرار بگیرد و به همین ترتیب، در دیگر احکام، چه تکلیفی دارد؟

۱۳ - اگر انسان، با هواپیماهای پرسرعت در جهت حرکت زمین مسافرت کند و مثلاً پس از آن که نماز ظهر را گزارد، دیگر بار به جایی برسد که هنوز در آن جا، ظهر فرا نرسیده، آیا هنگام ظهر، بار دگر، باید نماز ظهر را بگذارد؟ هم چنین اگر کسی سی روز از ماه رمضان را در محلی مانند مکه، روزه بگیرد و پس از آن به محلی که در آن جا هنوز

یک روز از ماه رمضان باقی است، مسافرت کند، آیا باید یک روز دیگر روزه بگیرد؟ در این صورت روزه سی و یک روز بر او واجب می‌شود؛ و نیز اگر فردی نذر کند که روز عید غدیر را روزه بگیرد و به نذر خود، وفا نماید و پس از آن به منطقه دیگری که در آن جا ماه یک روز از منطقه نخستین عقب‌تر است، مسافرت کند و در آن جا نیز روز غدیر را دریابد، آیا واجب است دوباره روزه بگیرد؟

۱۴ - آیا جایز است روزه دارد، مواد غذایی، یا داروهای تقویتی را از راه تزریق استفاده کند؟

۱۵ - آیا سعی در طبقه بالای صفا و مروه، یا رمی جمرات از طبقه دوم - که بعدها ساخته شده - جایز است؟ به همین ترتیب، آیا اگر به واجب نبودن طواف در دایره بیست و هفت ذراع - که همین نیز اقواس است - نظر دهیم طواف در طبقه‌های دوم و سوم و یا بام مسجد الحرام جایز است؟

۱۶ - آیا برای زن مسلمان، جایز است که از قرص و همانند آن، برای به تأخیر انداختن عادت ماهیانه استفاده کند، تا بتواند یک ماه کامل را روزه بدارد، یا طواف و نماز را در وقت خود انجام دهد؟

۱۷ - آیا سیر عمودی و دور شدن از فضا، به مقدار مسافت شرعی برای جاری شدن حکم مسافر، کافی است، یا باید سفر در روی زمین و سیر نیز، به گونه افقی باشد؟

۱۸ - آیا دیدن هلال، با ابزارهای نوینی چون تلسکوپ برای حکم ثبوت ماه، کافی است؟

دسته سوم: مسائل اقتصادی

۱۹ - پول اعتباری (اسکناس و دیگر اوراق همانند) چه حکمی دارد و مالیت آن، از کجا سرچشمه گرفته است؟ و آیا احکام پول حقیقی (طلا و نقره) مانند زکاة، ربا و مضاربه با آن‌ها، بر پول اعتباری نیز بار می‌شود؟

۲۰ - داد و ستدهای بانکی، با ربایی که در بانک‌هاست، چه حکمی دارد؟ حکم و وضع بانک اسلامی بدون ربا چیست و آیا می‌توان حکم جایزه را به سودی که به سپرده‌های بانکی، تعلق می‌گیرد سریان دارد؟

۲۱- چک و سفته از جهت خرید و فروش و دیگر احکام چه وضعیتی دارد؟

۲۲- آیا بیمه در گونه‌های گوناگون آن: بیمه عمر، مسکن، خودرو... جایز است و در فرض جواز، چه شرط‌هایی دارد و آیا جزو معاملات است؟

۲۳- انواع شرکت‌هایی که پیش از این وجود نداشته‌اند، چه حکمی دارند؟

۲۴- سرقفلی، چه حکمی دارد؟ آیا جایز است، یا خیر؟ در کجا جایز است و در کجا جایز نیست؟ چرا که گاه خریدار در برابر سرقفلی، عوضی هم در اختیار مالک (فروشنده) می‌گذارد و گاه خیر.

۲۵- استخدام دولتی، چه حکمی دارد، با این که از جهت‌هایی، در این استخدام، فرد به زوایای قضیه آگاهی ندارد و ناآگاهی نیز، باطل کننده اجاره است. ناآگاهی از چند و چون زوایای استخدام، گاه بر می‌گردد به مقدار دستمزد؛ چرا که در زمان‌های گوناگون، دستمزد تفاوت می‌یابد و گاه بر می‌گردد به مدت زمان استخدام؛ چرا که افراد از نظر دوران بازنشستگی، یک سان نیستند. همین پرسش، درباره استخدام در مؤسسات خصوصی نیز جریان دارد.

۲۶- حق بازنشستگی چه معنایی دارد؟ آیا این خود، نوعی معامله یا شرط ضمن عقد است؟ با آن که در این حق نیز، به گونه‌ای ناآگاهی از چند و چون قضیه وجود دارد؛ زیرا مقداری که از حقوق در طول دوران خدمت کسر می‌شود، گاه کم‌تر از آن چیزی است که در دوران بازنشستگی داده می‌شود و گاه بیش‌تر از آن و کم‌تر پیش می‌آید که این دو مبلغ برابر شوند. این تفاوت، چه حکمی دارد؟

۲۷- آیا خرید بلیت‌های بخت آزمایی صحیح است، با آن که چنین خریدی در ذیل عنوان هیچ یک از عقود نمی‌گنجد، بلکه گاه از قبیل «ازلام» است که خداوند در کتاب خود از آن نهی فرموده است.

بر این اساس، آیا راهی برای توجیه فقهی خرید این گونه بلیت‌ها، وجود دارد؟

۲۸- با آن که معروف در نزد فقیهان، مشروط بودن مضاربه، به معامله روی طلا و نقره مسکوک است، در روزگار ما، این عقد چگونه می‌تواند صحیح باشد؟ آیا باید باب مضاربه را برای همیشه بست با آن که اقسام دیگری هم در مضاربه قابل تصور است؟ آیا

مضاربه در غیر تجارت - که مشهور صحت آن است - درست است؟
 ۲۹ - با توجه به این که در روزگار ما، سپاهیان از سوی حکومت به جنگ گماشته می‌شوند و بر خلاف جنگ‌های گذشته که هزینه هر سرباز بر دوش خودش بود هیچ هزینه‌ای بر دوش نمی‌گیرند، غنایم جنگی چه حکمی دارد؟
 از دیگر سوی، می‌دانیم بسیاری از غنایم جنگ، چون: تانک و سلاح‌های سنگین، به طور عادی، نمی‌توان مورد استفاده شخصی قرار بگیرد. پس آیا باید این گونه غنایم را فروخت و بهای آن‌ها را به سربازان داد، یا آن که ادله از چنین غنایمی، انصراف دارد و آن‌ها را در بر نمی‌گیرد.

۳۰ - آیا اجرای عقد از راه تلفن، رادیو، تلویزیون و... جایز است؟ در فرض جواز، خیار مجلس در این گونه عقدها چگونه خواهد بود. هم چنین جاری کردن اقرار و طلاق، با فرض این که دو گواه عادل نیز گواهند، از این راه، چه حکمی دارد؟

۳۱ - آیا حقوق معنوی، همانند حق تألیف، حق اختراع و یا حق اکتشاف از نظر شرع نیز پذیرفته است؟ به دیگر سخن، آیا برای امور معنوی هم، ملکیت تصور می‌شود، یا آن که در ملکیت، ناگزیر باید عینی خارجی وجود داشته باشد؟

۳۲ - آیا شخصیت حقوقی، بسان شخصیت حقیقی می‌تواند، مالک چیزی باشد، یا خیر؟
 ۳۳ - آیا اجاره به شرط رهن که در زمان ما، رایج است و بر اساس آن، بر مستأجر شرط می‌کنند مبلغی به عنوان رهن، به موجر بدهد و آن را در هنگام پایان یافتن مدت اجاره، پس بگیرد و در طول این مدت، مبلغ اجاره از حد معمول برای آن ملک کم‌تر باشد، درست است، یا خیر؟

دسته چهارم: مسائلی در دیگر عرصه‌های زندگی

۳۴ - گاه خسارت ناشی از جنایت، از مقدار دیه افزون‌تر است. به این معنا که برای درمان بیماری، یا شکستگی به مبلغی بیش‌تر از آن‌چه در شرع به عنوان دیه مقرر شده، نیاز است. آیا در چنین مواردی، نسبت به آن مبلغ افزون از دیه ضمانتی هست، یا خیر؟

به عنوان نمونه: دیه دست از پانصد دینار نمی‌گذرد، با آن که گاه، هزینه‌های درمان دست، به هزار دینار نیز می‌رسد.

۳۵- آیا ذبح با دستگاه جایز است؟ بر فرض جواز، رو به قبله کردن و یاد نام خدا، در چنین ذبحی، چه حکمی دارد و چگونه تحقق می‌پذیرد؟ آیا مباشرت در ذبح، لازم است، یا تسبیب هم بسنده می‌کند؟ آیا در یاد نام خدا، صرف نزدیک بودن و همزمانی عرفی، کافی است؟

۳۶- آیا جراحات‌ها و صدمه‌های ناشی از تصادف‌های خودروها، از نوع عمد است، یا شبه عمد و یا خطای محض، یا آن که باید میان کسی که قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کند، با کسی که این قوانین را رعایت نمی‌کند، فرق گذارد؟

۳۷- خراب کردن خانه‌های مردم، مساجد، مقبره‌ها و... برای ساخت خیابان مورد نیاز مردم، از نظر ضمان چه حکمی دارد؟ آیا اگر مسجدی جزو خیابان شود، احکام مسجد، از قبیل جایز نبودن درنگ جنب در آن، یا جایز نبودن نجس کردن آن، هم چنان در آن جا جاری است؟

۳۸- برخی از افراد، با آن که نشانه‌های مرد بودن، یا زن بودن در آنان آشکار است؛ اما آمادگی آن را دارند که از نشانه و ویژگی‌های جنس مخالف برخوردار شوند و این سان، با عمل جراحی می‌توانند تغییر جنسیت دهند. آیا این تغییر جنسیت، جایز است؟ گذشته از جایز بودن و نبودن آن، اگر چنین کاری صورت پذیرد و کسی تغییر جنسیت دهد، زوجیت و احکام وابسته به آن، همانند مهر، نفقه وارث (مشروط بر وقوع تغییر پیش از قسمت کردن آن) چه حکمی خواهد یافت؟

۳۹- رادیو و تلویزیون چه حکمی دارند؟ آیا گوش کردن به غنای حرام، از رادیو و تلویزیون نیز حرام است؟ آیا در صورت شنیدن آیه سجده از این طریق، سجده واجب می‌شود؟

۴۰- آیا می‌توان به صرف شنیدن اقرار، وقف، وصیت و همانند آن از نوار، احکام و آثار شرعی را بر آن‌ها بار کرد؟

هم چنین اگر تصویری در فیلم، یا عکس ضبط شود، خواه با آگاهی شخص از آن و خواه بدون آگاهی وی، آیا باید برابآن حکم کرد، یا نمی‌توان چنین حکمی کرد، یا باید تفصیل داد.

آنچه گذشت، چهل مسأله از مسائل مهمی است که امروزه با آن‌ها سروکار داریم و فقهای بزرگ ما، پیشینیان و پسینیان، به سبب گرفتار نشدن، کم‌تر به آن‌ها پرداخته‌اند. اما امروز، گروهی از بزرگان معاصر، در کتاب‌های فتوایی خویش، به پاسخ آن‌ها همت گماشته‌اند؛ بی آن که دلیلی برای پاسخ خود بیاورند؛ چرا که اقتضای کتاب‌های فتوایی، بیش از این نیست.

البته پاره‌ای از این مسائل هم، هنوز بی پاسخ مانده‌اند. این نیز، روشن است که مسائل جدید، تنها در این، چهل مورد، خلاصه نمی‌شود، هر چند این موارد، مهم‌ترین آن‌هاست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشتها:

- ۱- سورة «انعام»، آیه ۹۰.
- ۲- سورة «اعراف»، آیه ۱۵۸.
- ۳- سورة «انبياء»، آیه ۱۰۷.
- ۴- سورة «ابراهيم»، آیه ۱.
- ۵- سورة «فرقان»، آیه ۱.
- ۶- سورة «سبا»، آیه ۲۸.
- ۷- سورة «احزاب»، آیه ۴۰.
- ۸- سورة «مائدة»، آیه ۳.
- ۹- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.
- ۱۰- «همان مدرک»، ج ۱۹، ص ۹۶.
- ۱۱- «همان مدرک»، ج ۱۴، ص ۳.
- ۱۲- سورة «اسراء»، آیه ۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی